

پیام سردبیر

دکتر باقر ساروخانی

ای نام تو بهترین سرآغاز
بی نام تو نامه کی کنم باز
نامه‌ای دیگر برای علاقمندان به فرهنگ و ارتباطات فراهم آمد. نامه‌ایست مانند نامه‌های پیشین و همگی در
زنجیره دانش‌های اجتماعی و فرهنگی تا بماند این یادگار و فرصتی برای گفت‌وگو با تاریخ و نسل‌های بعد فراهم
آورد. چه قلم بزعم حکیم والای طوس، مظهر بقای انسانهای فانی است:

بناهای آباد گردد و خراب
زباران و از تابش آفتاب
پی افکندم از نظم کاخی بلند
که از باد و باران نیاید گزند
نمیرم از این پس که من زنده ام
که تخم سخن را پراکنده ام

خداوند را همانند همیشه سپاسگزاریم و همه پاکدلانی که بی‌هیچ دریغ بدان پرداختند. باز سپاسگزار
عزیزانی هستیم که این دفتر را به زینت نگاه و توجه‌شان می‌آریند. مشتاق شنیدن اندیشه‌ها و نقدهای‌شان هستیم.
هرگز ادعای آن نداریم که راه را به نهایت پیموده‌ایم و می‌دانیم راه دانش و دانایی را پایانی نیست. بنابراین در
جست‌وجوی کمال دست به سوی آنان می‌کشاییم تا شاید هر روز خدمتی بهتر به آستان فرزادگی تقدیم کنیم.

همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس که دراز است ره مقصد و من نوسفرم.

فرصتی فراخ می‌خواهد تا همه مقالات را بازبینی کنیم و تحلیلی دیگر ارائه کنیم. بنابراین به رسم همیشه
یکی را برمی‌گزینیم و آن «ورود شبکه‌های اجتماعی به حریم خانواده‌هاست». بی‌هیچ تردید هرگز چنین تجربه
تاریخی‌ای فراهم نیامده بود. همیشه سخن این بود که خانواده محل امن و آسایش حیات آدمیان است و در تاریخ
نیز همواره چنین بوده است. لیک یک‌باره آنچه را چهاردیواری اختیاری می‌خواندند، محل تاخت‌وتاز نه از درون،
که از بیرون قرار گرفت. شبکه‌های اجتماعی مجازی بی‌هیچ پروایی، گوشه‌گوشه خانه را اشغال کردند. بعضی
تمثیل سربازان چنگیز را از آن دارند، برخی دیگر به غنای بیشتر خانه تأکید می‌ورزند و بر این عقیده‌اند که
از این پس خانه تنها جایگاه خور و خواب نیست، [بلکه] دنیا در آن است با خوشه‌هایی از فرهنگ. ما را عقیده
بر این است که هر دو نظر را با هم بیامیزیم و همه رسانه‌ها را پیام‌آوران دنیای نوبدانیم. آنان حیات ما را از آغازین
ماه‌های زندگی در حیطه تأثیر خود دارند و تا آخرین دم با ما هستند؛ آنان غنابخش خانه‌های ما شده‌اند؛ ژان
کازنو در اثرش، جامعه همه‌جائی، از رسوخ فرهنگ و ادب، و سیاست به خانه‌ها یاد می‌کند. بعد از این کودکان
به نحو دیگری تربیت می‌شوند. سبک زندگی خانواده‌ها جابه‌جا می‌شود. خانه محل آموزش مجازی نیز هست،
همان‌طور که بستری برای انتقال ارزش‌ها، انتظارات و خواسته‌های ساکنان خانه برای همه جهانیان.

لیک در این میان، می‌توان خانه‌های سلولی تولید کرد. یعنی آنجا که هر کس اطاقکی دارد و در آن ابزار ارتباطش
را. پس دیگر جایی برای گفت‌وگو نیست؛ شاید هم دیدار، آنهم فقط در مسیر رفت و آمد. با شناسایی جهات مثبت
این حادثه تاریخی، جهات و ابعاد منفی آن را با نویسنده محترم مقاله شناسایی کنیم تا در قامت انسان‌های عاقل
و بالغ در عرصه تاریخی ظهور نماییم و با هم جامعه‌ای در خور شأن «جهان ارتباطات در هزاره سوم» بنا کنیم.